

کتاب آموزشی مستحان

دین و زندگی ۳

پایه دوازدهم (علوم انسانی)

تالیف: حامد محمدی

درسنامه کامل به همراه مفاهیم آیات و اشعار و تدبیر

نمونه سوالات آزمون نهایی درس به درس

سوالات تالیفی منتخب

ویرایش ۱۴۰۲

@DINIBAHAMED

بخش اول - تفکر و اندیشه

اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

(ثمرات) اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

« أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ » (برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست).

مفاهیم: بیانگر اهمیت اندیشیدن در مراتب الهی / تفکر معیار تمدن اسلامی.

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ← إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ

درس اول: هستی بخش

نیازمند جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات مدد می‌رساند.

با وجود این شناخت اولیه (فطری)، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. بیان این راه به شرح زیر است:

استدلال نیازمندی به خداوند در پیدایش

پدیده بودن جهان و عدم اتکا به خود در پیدایش

✓ مقدمه اول

اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده‌ای می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

احتیاج جهان به پدیدآورنده برای پیدایش

✓ مقدمه دوم

پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد.

عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:

ذاتِ نیافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی

مفاهیم: اشاره به رابطه پدیده و پدیدآورنده / مقدمه دوم تمامی مخلوقات در پدید آمدن نیازمند خداوند هستند / ارتباط با آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ...» / هستی‌بخش بودن خداوند بیانگر مرتبه توحید در خالقیت / بیانگر قانونمند بودن جهان خلقت.

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

نیازمندی همه پدیده‌های جهان به فراوند در پیدایش

✓ نتیجه

با توجه به دو مقدمه فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده‌های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده‌ای (خدا) نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی خدا نامیده می‌شود.

ما و این جهان، وجودمان از خودمان نیست و پدیده هستیم.

موجوداتی که پدیده هستند در موجود شدن نیازمند وجودی هستند که خودش از خویش باشد.

ما و این جهان به موجودی وابسته هستیم که خودش از خویش بوده و ذاتاً موجود است.

سرچشمه هستی = خداوند تبارک و تعالی

پاسخ به یک پرسش

برخی می‌پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟! در پاسخ می‌گوییم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی‌ماند. آن استدلال نمی‌گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده‌ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هریک باعث حرکت دیگری می‌شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می‌چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده‌ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده‌ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده‌ها باشد، نرسد؟

چنین چیزی غیرممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان طور که نمی گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می گوید «پدیده» نمی تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده ای آن را پدید آورده است. همان طور که ذهن ما نمی پذیرد که یک پدیده بدون پدید آورنده باشد همان طور هم، برعکس، نمی پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدید آورنده داشته باشد.

نیازمندگ جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا (ع) است، شنیده اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

اگر اندکی دقت کنیم، در می یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیاورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جا به جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می روند و ساختمان متلاشی می گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر آن به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ گاه قطع یا کم نمی شود.

رابطه خلقت و خداوند

- پدید آوردگی
- نیازمندی به خدا بعد از پیدایش
- همچون رابطه مولد برق با جریان برق

رابطه مسجد و بنا

- چینش مصالح و ساختن مسجد
- قطع رابطه بعد از پیدایش
- همچون رابطه ساعت با ساعت ساز

به عنوان مثال می توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شوند. بنابراین، مسجد با ساخته

شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود (همچون رابطه ساعت با ساعت‌ساز) اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

فهم نیازمندی به خداوند در بقا (علت)

عرض دائمی نیاز به خداوند (معلول)

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می‌کند:

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست

(نیازمندی به خداوند در بقا / توحید در ربوبیت)

تا که ما باشیم با تو در میان

ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان

(نیازمندی به خداوند در پیدایش و بقا / نفی شرک در تمام مراتب توحید)

تو وجود مطلق، فانی نما

ما عدم هاییم و هستی های ما

(نیازمندی در پیدایش و بقا / پدیده بودن موجودات / وجود مطلق خداوند)

حمله مان از باد باشد دم به دم

ما همه شیران ولی شیر عَلم

(نیازمندی به خداوند در پیدایش و بقا / پدیده بودن موجودات و فقر ذاتی آنها / ارتباط با آیه «یا ایها الناس انتم

الفقرا الی الله...» و «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» / توحید در ربوبیت)

ارتباط کلی آیات با آیه «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» و «یا ایها الناس انتم الفقرا الی الله...»

تدبر در قرآن

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

(ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید و خدا است که بی‌نیاز ستوده است) (فاطر ۱۵) *

مفاهیم: فقر همیشگی مخلوقات به خداوند / نیازمندی مخلوقات به خصوص انسانها در پیدایش و بقا به خداوند (انتم

الفقرا) / تنها وجود مطلق و بی‌نیاز خداوند است (هو الغنی) و علت ستوده بودن خداوند است / عبارت «هو الغنی الحمید»

به توحید ذاتی و اصل توحید اشاره دارد (درس ۲) و ارتباط با «الله الصمد» / ارتباط با شعر جامی (ذات نیافته از هستی،

بخش * چون تواند که بود هستی بخش....) / ارتباط با حدیث «اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء».

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن ۲۹)

(هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست اندرکار امری است)

مفاهیم: **عرض نیاز دائمی مخلوقات به خداوند** / نیازمندی به خداوند در پیدایش و بقا / «کل يوم هو في الشان» تدبیر امور خلقت بیانگر توحید در ربوبیت (درس ۲) / فیض دائمی خداوند به مخلوقات / ارتباط با شعر مولانا (ما چو ناییم و نوا در ما ز توست * ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست.....) / ارتباط با حدیث «اللهم لا تكلني الي نفسي طرفه عين ابدًا».

۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند و اگر خداوند لحظه‌ای آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می‌شوند؛ همچون منبع نوری که اگر یک لحظه نورافشانی نکند پرتوهای نور از بین خواهند رفت.

۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟

انسان در هستی خود به خدا نیازمند است و این نیاز همواره و در هر آن هست و هیچ گاه قطع یا کم نمی‌شود. سایر داشته‌های انسان که همه برآمده از نعمت وجود است نیز همه نیازمند و وابسته به لطف خداست و اگر خدا هر لحظه اراده کند می‌تواند آن را از انسان بگیرد. بنابراین انسان سرتاپا نیازمند خداوند است.

۳- منظور از اینکه خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است، چیست؟

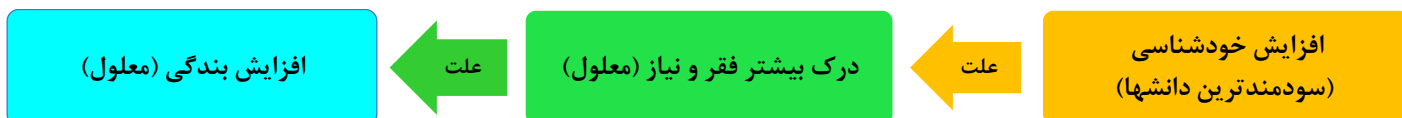
نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می‌کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده‌ها است. چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می‌کند. بنابراین او هر لحظه دست اندرکار امری است.

آگاهی، سرچشمه بندگی

انسان‌های نا آگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند.

هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند.

رابطه معرفت و درک نیازمندی به خدا



برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند:

«اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» (خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار)

مفاهیم: مناجات با خداوند و بیانگر ثمره درک نیازمندی به خدا / پیامبر یک انسان آگاه است و این سخن بیانگر ویژگی انسان آگاه است / اشاره به نیازمندی به خدا در بقا / ارتباط با آیه «یا ایها الناس انتم القراء...» و «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» / افزایش معرفت به خداوند از طریق تفکر در آیات الهی راه تقویت اخلاص.

نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (خداوند نور آسمانها و زمین است) (نور ۳۵)*

مفاهیم: خداوند در نظام هستی مشهود است / هر مخلوقی در مرحله پیدایش و بقا به خداوند نیازمند است / ارتباط با بیت «دلی کز معرفت نور وصفا دید...» / ارتباط با شعر «به صحرا بنگرم صحرا تو بینم...» / ارتباط با حدیث «ما رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا...» / ارتباط با آیات «یا ایها الناس انتم الفقراء...» و «یساله من فی السماوات و الارض...» / بیانگر توحید در خالقیت و ربوبیت / بیانگر معیار توحید در تمدن اسلامی.

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.

خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است.

به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

به هر چیزی که دید، اول خدا دید

دلی کز معرفت نور و صفا دید

نکات: ارتباط با آیه «الله نور السماوات و الارض» / بیانگر معرفت عمیق در انسانها / ارتباط حدیث حضرت علی(ع) «ما رایت شیئا...» / ارتباط با ابیات «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است...» و «مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان...».

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم

نکات: ارتباط با آیه «الله نور السماوات و الارض» / بیانگر معرفت عمیق در خداشناسی / ارتباط حدیث حضرت علی(ع) «ما رایت شیئا...» / ارتباط با ابیات «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است...» و «مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان / هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود».

تفکر در حدیث

امام علی(ع) می فرماید:

«ما رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ»

(هیچ چیزی را ندیدم مگر اینکه خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم)

مفاهیم: مشهود بودن خداوند در نظام هستی / تمام کائنات نشانگر حق تعالی و آیه ای از آیات الهی است / معرفت عمیق حضرت علی(ع) علت جلوه گر شدن خداوند در نظر وی با دیدن مخلوقات است / ارتباط با دوبیتی باباطاهر و «دلی کز معرفت نور و صفا دید...» / ارتباط با ابیات «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است...» و «مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان...» / بیانگر توحید در خالقیت / توحید معیار تمدن اسلامی.

مقصود امام علی(ع) از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

هر چیزی در نظام خلقت بیانگر آیه و نشانه ای از خداوند است. منظور از قبل بیانگر نیازمندی در پیدایش، منظور از همراه بیانگر نیازمندی آن به آن و لحظه ای به خداوند است و منظور از بعد بیانگر نیازمندی به خداوند در بقا و بعد از مرگ به خداوند است.

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

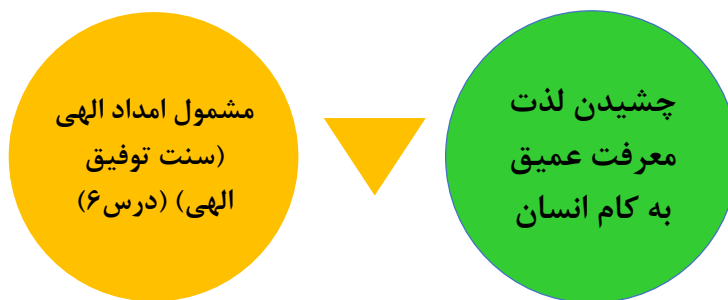
شرط دستیابی به معرفت عمیق

حرکت با عزم و تصمیم

قوی (درس ۸ دهم)

قدم پیش گذاشتن

ثمرات دستیابی به معرفت عمیق



ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟ در پاسخ می گوییم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند:

امور مفرود:

دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوان ها، ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشان های بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

امور نامفرد:

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید.

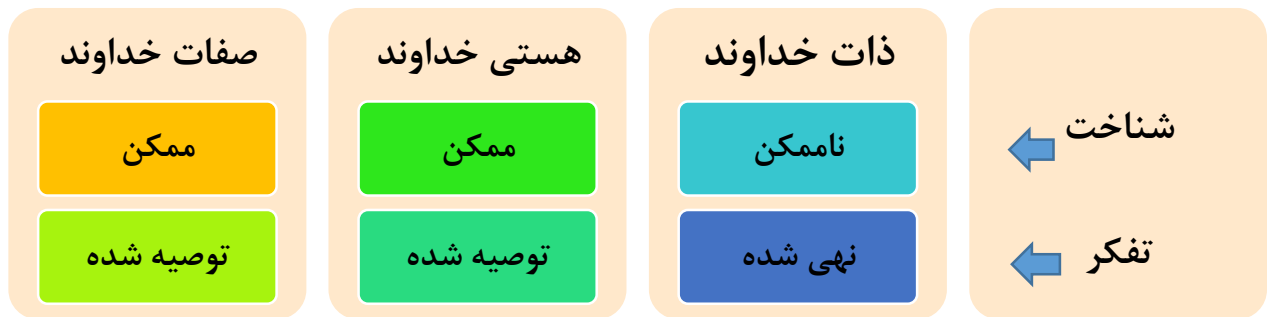
موضوعات قابل شناخت



بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می‌بریم و صفات او را می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چیستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» (در همه چیز تفکر کنید، ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.)

مفاهیم: ناتوانی انسان در شناخت ذات خداوند / وجوب تفکر در موضوعات مختلف از جمله صفات الهی / حرمت تفکر در ذات خداوند / بیانگر محدود بودن ذهن انسان در شناخت ذات الهی / عبارت «تفکروا فی کل شی» با حدیث «افضل العبادة امان التفكير...» ارتباط دارد / تفکر معیار تمدن اسلامی.



پاسخ به یک پرسش

چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی‌بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیای مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

«لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را در می‌یابد و او لطیف و آگاه است (انعام ۱۰۳)

فردوسی، شاعر حماسه سرا، در ابتدای شاهنامه با الهام از قرآن کریم و امامان بزرگوار، همین معانی را در قالب شعر به ما رسانده است. او می‌گوید:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست	نگارنده بر شده گوهر است

به بینندگان آفریننده را نبینی، مرجان دو بیننده را
نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
خرد گر سخن برگزیند همی همان را گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را بیایدت بست

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست در کنار من و من مهجورم

اندیشه و تحقیق

با وجود شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت، تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

رابطه جهان با خداوند

- خداوند هم هستی بخش و هم نظم دهنده خلقت است.
- دوام و بقای خلقت به خداوند وابسته است.

رابطه ساعت و سازنده اش

- ساعت ساز هستی بخش اجزاء نیست و فقط نظم دهنده است (همچون بنا).
- دوام و بقای ساعت به ساعت ساز وابسته نیست.

سوالات منتخب نهایی

- (۱) نیازمندی جهان به خدا در پیدایش را با دو مقدمه و یک نتیجه استدلال نمایید.
- (۲) چرا نمی‌توان به ذات خدا پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟
- (۳) چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید»؟
- (۴) ثمره درک نیازمندی به خدای بی‌نیاز چیست؟
- (۵) چرا نوجوانان و جوانان در معرفت خداوند موفق‌تر هستند؟
- (۶) با توجه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟
- (۷) چرا پیامبر اسلام (ص) عاجزانه از خداوند می‌خواهد او را به حال خود واگذار نکند؟
- (۸) با توجه به آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» معنای اینکه خداوند نور آسمانها و زمین است، چیست؟
- (۹) یک موجود در چه صورتی، در وجود خود نیازمند به دیگری نیست؟
- (۱۰) رابطه خداوند با جهان را تا حدی می‌توان به چه چیزی تشبیه نمود؟
- (۱۱) چرا رسیدن به معرفت عمیق «خدا را با هر چیزی دیدن» هدفی قابل دسترس به ویژه برای نوجوانان و جوانان است؟
- (۱۲) انسان بر اساس خدا را می‌یابد و حضورش را درک می‌کند که به آن شناخت اولیه گویند.
- (۱۳) «خدا را با هر چیزی دیدن» برای انسان، چگونه معرفتی است؟
- (۱۴) هر موجودی به آفریننده نیازمند است. (ص-غ)
- (۱۵) با ذکر استدلال، اثبات کنید که ذات و چیستی خداوند قابل شناخت نیست.

سوالات منتخب کنکور سراسری

۱. برترین عبادت کدام است و ثمره آن چگونه ظاهر می‌گردد؟
- (۱) ادمان التفکر فی الله و فی قدرته - نیازمندی به خدا
- (۲) ادمان التفکر فی الله و فی قدرته - شکوفایی استعدادها
- (۳) من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار - نیازمندی به خدا
- (۴) من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار - شکوفایی استعدادها
۲. بیت زیر، بیانگر کدام آیه شریفه است؟

"ما همه شیران ولی شیر علم ** حمله مان از باد باشد دم به دم"

- (۱) «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ»
- (۲) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»
- (۳) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»
- (۴) «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ»

تجربی داخل ۱۳۹۸

زبان داخل ۱۳۹۹

۳. پیام کدام آیه شریفه، حاکی از آن است که هر موجودی در حدّ خودش تجلّی بخش خداوند و نشانگر حکمت و قدرت الهی است؟

تجربی داخل ۱۳۹۹

- (۱) ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (۲) ﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾
(۳) ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ﴾

۴. با توجه به حدیث شریف "لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ..." پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند درباره چه چیزی فکر نکنید و علّت آن چیست؟

هنر داخل ۱۳۹۴

- (۱) چیستی خداوند - چون شناخت صفات و ویژگی های خداوند امکان پذیر نیست.
(۲) هستی خداوند - چون شناخت صفات و ویژگی های خداوند امکان پذیر نیست.
(۳) چیستی خداوند - چون لازمه شناخت هر چیز احاطه بر آن است.
(۴) هستی خداوند - چون لازمه شناخت هر چیز احاطه بر آن است.

۵. از آیه شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ کدام مفهوم، دریافت می شود؟

- (۱) هر چیزی در این جهان، نشانگر نور خالق و پروردگار جهان است و روشنی بخش آسمان و زمین می باشد.
(۲) شناخت ذات خداوند، معرفتی عمیق و والا است که در نگاه نخست مشکل، اما هدفی قابل دسترسی است.
(۳) هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.
(۴) خداوند نور هستی است و تمام موجودات تنها در مرحله پیدایش وجود خود را از او می گیرند و به سبب او نورانی می شوند.

ریاضی داخل ۱۳۹۹

درس در یک نگاه

هستی بخش

شناخت اولیه از خدا فطری / شناخت عمیق از خداوند تفکر
درباره نیازمندی به خدا

نیازمندی به خداوند در پیدایش: پدیده بودن مخلوقات و نیاز به
پدید آورنده واجب الوجود در موجود شدن (یا ایها الناس انتم
الفقراء الى الله)

نیازمندی به خداوند در بقا

نیازمندی به خداوند همچون لحظه نخست خلق شدن و
نیازمندی در هر آن و کم نشدن این نیاز (مولد برق و جریان برق)
(یساله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی الشان)

تسلسل علل = ادامه رابطه علت و معلولی تا بینهایت از نظر عقلی
محال است

افزایش خودشناسی علت افزایش درک فقر و نیاز به خداوند و
در نتیجه افزایش بندگی

خداوند نور هستی (پدیدآورنده و هستی بخش) و هر مخلوقی
نشانه‌ای از نشانه‌های الهی و بیانگر صفات الهی
معرفت عمیق و برتر، دیدن خداوند در همه امور

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند (حقیقت خداوند
نامحدود - ذهن محدود ما ناتوان در شناخت امور نامحدود -
ممنوعیت تفکر در ذات خدا)

توانایی شناخت هستی و صفات الهی (توصیه به تفکر و
برترین عبادت)

دیدن خدا قلبی است، چشمان عادی ناتوان از دیدن خداوند